

معیارهای ضروری غذای حلال با نگاه به واژه خبیث

مرتضی رحیمی*

تاریخ دریافت: ۹۶/۸/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱/۲۱

چکیده

در پژوهش حاضر که با روش توصیفی و تحلیلی انجام گردیده اشاره شده که از نگاه قرآن و روایات، سلامت جسم و روان و ایمان انسان‌ها اهمیت بسزا دارند. از همین رو برای خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها معیارهایی را تعیین نموده و بر امنیت غذایی تأکید کرده و ناپاک نبودن (خبیث نبودن) خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها را ضروری دانسته‌اند. از سویی بر اساس تصریح اهل لغت و مفسران واژه خبیث گاهی معنای حرام و قبیح را می‌دهد، از همین رو می‌توان آن را به سه نوع قبیح شرعی، عقلی و عرفی تقسیم نمود و مواردی، همچون زیان شدید نداشتن خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، از راه نامشروع به دست نیامدن آن‌ها و مانند آن را به عنوان ضوابط ضروری برای خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های حلال نتیجه گرفت. واژه «خبیث» گاهی معنی نامرغوب بودن را می‌دهد، از همین رو توصیه اصحاب کهف به مأمور خرید غذا درباره تهیه بهترین و باکیفیت‌ترین غذا نشان می‌دهد که خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، باید بهترین کیفیت را دارا باشند، لذا رعایت نکات بهداشتی و استانداردهای لازم در همه مراحل تهیه غذا و نوشیدنی‌ها ضروری است. همچنین با توجه به شرایط گوناگون افراد و سنین مختلف، ممکن است غذا و آشامیدنی برای برخی افراد مفید باشد، اما برای دیگران مفید نباشد. غذا و نوشیدنی ایده آل باید همه معیارهای لازم برای خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های حلال را دارا باشد، از همین رو مثلاً پاکیزه بودن خوردنی و آشامیدنی به تنهایی کفایت نمی‌کند، بلکه علاوه بر آن باید دیگر معیارها نیز موجود باشند.

کلیدواژگان: خوردنی، آشامیدنی، حرام، پسند طبع، مفید، مضر.

مقدمه

از نگاه متون اسلامی، از جمله قرآن تغذیه نقش مهمی بر سلامت جسم و روان دارد و برای ادامه حیات و انجام مطلوب عبادات به آن نیاز مبرم است؛ زیرا رشد، طول عمر، تندرستی، آرامش اعصاب و روان، خلق و خوی و رفتار، توانمندی و قدرت، تکثیر نسل و تولید مثل و... همه به نوعی با تغذیه سالم ارتباط تنگاتنگ دارند؛ از همین رو آیات و روایات زیادی درباره غذا و تغذیه وارد شده‌اند. همچنین نامگذاری پنجمین سوره قرآن به مائده (سفره غذایی) نشان‌گر اهمیت تغذیه از نگاه قرآن است، از سویی رزاق و معطم بودن از صفات خداوند دانسته شده و خداوند به غذاها و خوردنی‌های با منشأ گیاهی، همچون انجیر و زیتون در آیه ﴿والتین والزیتون﴾ (تین/۱) سوگند خورده است. درخواست مائده آسمانی توسط حضرت عیسی (ع)، که آیه ﴿انزل علينا مائدة من السماء﴾ (مائده/۱۱۴) به آن اشاره دارد؛ همچنین درخواست غذا توسط حضرت موسی (ع) که آیه ﴿وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا﴾ (البقرة/۶۱) به آن اشاره نموده، از جمله نشانه‌های اهمیت غذا و تغذیه از نگاه اسلام می‌باشند.

از جمله دلایل اهمیت تغذیه از نگاه متون اسلامی، از جمله قرآن آن است که خداوند در آیه ﴿الذی أطعمهم من جوع و آمنهم من خوف﴾ (قریش/۴): «همان کس که آن‌ها را از گرسنگی نجات داد و از ترس و ناامنی ایمن ساخت»؛ بر اهل مکه به دو چیز منت نهاده است، که عبارت‌اند از «غذا» و «امنیت». همچنین در آیه ﴿فلینظر الانسان الی طعامه﴾ (عبس/۲۴) انسان باید به غذای خویش بنگرد؛ به دقت در انتخاب غذا سفارش شده است.

امام رضا (ع) نیز در اهمیت غذا فرموده‌اند: «فان صلاح البدن و قوامه یكون بالطعام و الشراب و فسادة یكون بهما» (امام رضا، ۱۴۰۲ق: ۲۶). سلامتی و پایداری بدن و همچنین بیماری آن به غذا و نوشیدنی است. از نگاه اسلام، سلامتی انسان اهمیت بسزا دارد، از همین رو به غذاهایی سفارش نموده که حلال و پاکیزه هستند و از غذاهایی که برای سلامتی انسان زیان دارند نهی نموده است، همچنین در داستان اصحاب کهف بر ضرورت و اهمیت کیفیت بالای خوردنی و آشامیدنی تأکید شده است، زیرا اصحاب کهف

پس از بیدار شدن از خواب طولانی، که بیش از ۳۰۹ سال طول کشیده، احساس گرسنگی کرده و گفته‌اند: ﴿فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ لَهَا أَزْكَىٰ طَعَامًا فَإِيَّاكُمْ بِرِزْقِ مِنْهُ وَلِيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا﴾ (کهف/۱۹) سکه نقره‌ای را که با خود دارید به دست یکی از نفرات خود بدهید و او را به شهر بفرستید، تا برود و ببیند کدامین فروشنده غذای پاک‌تری دارد، به مقدار روزی و نیاز از آن برای شما بیاورد.

در خصوص تفسیر «آزکی طعاماً» اختلاف است، زیرا برخی گفته‌اند: هر غذایی که بیش‌تر است، برخی نیز آن را به غذای ارزان‌تر تفسیر نموده‌اند، برخی گفته‌اند که منظور غذای حلال‌تر است، برخی نیز گفته‌اند منظور از «آزکی طعاماً» هر غذایی است که بهتر است (عاملی، ۱۳۶۰، ج ۵: ۵۰۰؛ ابن هائم، ۱۴۲۳ق، ج ۴: ۲۳۵). با توجه به تفسیر اخیر، گذشته از ضرورت حلال بودن غذا کیفیت غذا نیز اهمیت بسزا دارد.

اصل بر حلیت غذاها و خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های فراوان موجود در روی زمین است، یعنی خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های پاک حلال بوده و موارد حرام از آن‌ها استثناء هستند، از این رو حرام بودن چیزها، از جمله خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها نیاز به دلیل دارد، که از جمله آن‌ها می‌توان به مواردی اشاره نمود، که برای بدن زیان دارند.

از جمله دلایل اهتمام قرآن و سنت به امر تغذیه سالم آن است که جامعه متعالی و مطلوب نیازمند انسان‌هایی سالم در همه ابعاد تربیتی می‌باشد، زیربنای صحت و رمز سلامت نیز بهره‌مندی از مواد غذایی سالم و پاکیزه مورد نظر اسلام می‌باشد و اینکه ارزش و شخصیت انسانی به طرز فکر و اندیشه اوست و نوع تغذیه است که آن را می‌سازد. عقل سالم حکم می‌کند که با مصرف غذاهای پاک و طیب این ارزش والا را حفظ کند (مطالعات قرآنی، شماره ۱۶۰: ۳۲). با توجه به تأکید زیاد قرآن بر شاخصه‌هایی، همچون «حلال»، «طیب»، «آزکی» و «خبیث» بررسی چگونگی برداشت معیارهای حلال و پاکیزه از واژه «خبیث» اهمیت بسزا دارد.

پیشینه تحقیق

درباره پیشینه تحقیق باید گفت که مقالات و کتاب‌های زیادی پیرامون اهمیت غذا از نگاه اسلام و نیز غذا از نگاه قرآن نگاشته شده‌اند، که از جمله آن‌ها می‌توان به مقاله‌های

«نگاهی به غذا و تغذیه از منظر اسلام» از مصطفی آخوندی چاپ شده در شماره ۱۵ مجله حصون، «حلال و طیب عالی‌ترین معیارهای بهداشتی مواد غذایی از دیدگاه قرآن» از فتح الله عالی پور و فرنگیس مهدوی چاپ شده در سال ۱۳۹۳ در شماره دوم مجله اسلام و سلامت دانشگاه علوم پزشکی، مقاله «سبک تغذیه در سلامت انسان از دیدگاه آیات و روایات» از خانم‌ها طیبه اکران و مهرناز گلی چاپ شده در شماره ۳۲ مجله مطالعات قرآنی دانشگاه آزاد اسلامی جیرفت و مانند آن‌ها اشاره نمود.

در مقاله نخست از اهمیت غذا و انواع غذاهای مورد اشاره در قرآن و روایات سخن به میان آمده، اما درباره رابطه خبیث با معیار حلال و حرام سخنی نگفته است.

مقاله دوم هرچند که از حلال و طیب به عنوان عالی‌ترین معیارهای بهداشتی مواد غذایی سخن گفته شده، اما درباره نقش واژه «خبیث» در دستیابی به معیار حلال و حرام کمتر سخن به میان آمده است. در مقاله «تغذیه سالم از نگاه قرآن» از فرزانه غفاری که در سال ۱۳۹۳ در شماره ۹۰ مجله علوم پزشکی زنجان چاپ شده، به مصادیقی از خوردنی‌های حلال و حرام و نیز فواید روزه اشاره شده اما درباره نقش واژه «خبیث» در دستیابی به معیار حلال و حرام کمتر سخن به میان آمده است.

در مقاله «سبک تغذیه در سلامت انسان از دیدگاه قرآن و روایات» نیز سبک تغذیه سالم در سلامت انسان از دیدگاه آیات و روایات و نقش آن در سلامتی جسم و روان بررسی شده و با وجود تأکید بر واژه‌های «حلال»، «طیب» و... در این مقاله معیارهای غذای حلال با استفاده از واژه خبیث بررسی نشده است.

در کتاب «تغذیه در قرآن» از صدیقه حسین پور نیز به لیستی از خوردنی‌های حلال و حرام اشاره شده و آداب غذا خوردن بیان شده است، اما به نقش واژه «خبیث» در رسیدن به معیار حلال و حرام اشاره نشده است؛ از همین رو پژوهش حاضر، که با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده، در پی آن است که به پرسش‌هایی، مانند «واژه خبیث با معیارهای حلال و حرام چه ارتباطی دارد؟»، «آیا از واژه خبیث می‌توان معیارهایی برای خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های حلال را نتیجه گرفت؟»، «واژه‌های خبیث و حرام چه رابطه‌ای با هم دارند؟» و مانند آن‌ها پاسخ گوید.

مفهوم شناسی مصطلحات

حلال در لغت ضدّ و نقیض حرام دانسته شده است. کلمات «طیب» و «طلق» نیز گاهی مترادف آن به کار رفته‌اند (اسماعیل صینی، بی تا: ۳۷؛ ابن منظور مصری، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۱۴۳؛ حمیری، بی تا، ج ۳: ۱۳۶۵). مفهوم اصطلاحی «حلال» با معنای لغوی آن نزدیک است، زیرا در تعریف اصطلاحی آن گفته شده: «حلال به معنی کار جایز می‌باشد، به این معنی که آن کار رها بوده و منعی متوجه آن نیست» (راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۲۶۱؛ اردبیلی مقدس، بی تا: ۳۶۳).

گاهی در تعریف «حلال» گفته می‌شود: «حلال چیزی را گویند که به خاطر آن فرد را مجازات نمی‌کنند». از آنجا که حلال در مقابل حرام قرار دارد، حلال با مباح فرق دارد، زیرا شامل همه احکام خمسسه تکلیفی جز حرام می‌باشد، یعنی مواردی، مانند «مباح»، «مندوب»، «واجب» و «مکروه» اعم از تحریمی و تنزیهی و به نظر ابوحنیفه مکروه تنزیهی زیرمجموعه حلال هستند (عبد الرحمان، بی تا، ج ۱: ۵۸۵). از این رو ممکن است که چیزی در آن واحد هم حلال باشد و هم مکروه؛ طلاق مثال بارز آن می‌باشد، که پیامبر (ص) از آن به عنوان «أبغض الحلال» (بیهقی، ۱۴۱۴ق، ج ۷: ۳۲۲) تعبیر فرموده‌اند. در آیاتی مانند ﴿أحلّ الله البيع وحرم الربا﴾ (البقرة/۲۷۵) کلمات «حرام» و «حلال» در مقابل هم به کار رفته‌اند.

از آنچه در تعریف حلال گذشت، می‌توان به مفهوم «حرام» پی برد، زیرا همانگونه که گذشت، واژه‌های «حلال» و «حرام» نقطه مقابل یکدیگر و به تعبیری ضد یا نقیض یکدیگر هستند. در اصطلاح فقه، «حرام» یکی از احکام پنج‌گانه تکلیفی می‌باشد که عبارت است از آنچه که ترک کننده آن مذمت می‌شود و با کلماتی مانند «معصیت»، «ذنب» و «قبیح» مترادف است (کرکی عاملی، ۱۳۹۶ق: ۲۵۰).

در قرآن کلمات «خبیث» (البقرة/۲۶۷) و جمع آن «خبیثات» و «خبیثین» (نور/۲۶) و نیز «الخبائث» (اعراف/۱۵۷) همچنین کلمات «طیب» (انفال/۳۷) و «طیبات» (اعراف/۳۱) به کار رفته‌اند.

کلمات «خبیث» و «طیب» نقطه مقابل هم قرار دارند، از همین رو گاهی خبیث به معنای حرام به کار می‌رود، همچنین کلمه «طیب» گاهی به معنی حلال به کار رفته

است، همانگونه که گاهی «خبیث» را به صورت آنچه که ناپاک است معنی کرده و «طیب» را به معنی پاکیزه می‌گیرند (قرشی، ۱۳۷۷ش، ج ۳: ۳۰).

طیب، ضد خبیث است و به معنای زیر به کار رفته است.

۱- صاحب پاکی: بر پایه این معنی به فردی که از رذائل اخلاقی و اعمال زشت منزّه شده است و خود را به اخلاق پسندیده و اعمال نیک آراسته است، «طیب» گفته می‌شود (شرتونی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۴۰۸). این معنی با موضوع بحث ارتباطی ندارد.

۲- معنای «طیب» در هنگامی که صفت برای طعام قرار می‌گیرد؛ در این صورت به یکی از معانی زیر می‌باشد:

۱- لذیذ و خوشمزه. این معنی به دلیل تبادر معنای حقیقی کلمه «طیب» می‌باشد (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۲: ۱۱۱). راوندی نیز ضمن اشاره به آنکه طیب بر خلاف خبیث می‌باشد، گفته است: «طیب بر سه گونه است، که عبارت‌اند از: الف- لذیذ و خوشمزه، ب- جایز، ج- پاکیزه، هر سه معنی در اصل یکی بوده و همه به معنی لذیذ بازگشت دارند» (راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۲۶۲). بر اساس این معنی، طیب چیزی را گویند که با نفس تلائم و سازگاری داشته و طبع از آن متنفر نباشد، این معنی از طیب، طیب شرعی و عرفی را در بر می‌گیرد.

۲- آنچه شارع حلال کرده است (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۲: ۱۱۱). این معنی در فرضی منطقی است، که کلمه «طیب» صفت کلمه «حلال» قرار نگیرد؛ از همین رو در آیه ﴿كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلالًا طَيِّبًا﴾ (البقرة/۱۶۸) کلمه «طیب» با توجه به کلمه «حلالاً» که پس از آن قرار دارد به معنی حلال نیست.

۳- پاکیزه (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۲: ۱۱۱). این معنی را می‌توان از مواردی، مانند: ﴿كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلالًا طَيِّبًا﴾ (البقرة/۱۶۸) نتیجه گرفت. همچنین در آیه ﴿فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا﴾ (نساء/۴۳) کلمه «طیباً» بی تردید به معنای پاکیزه است.

۴- آنچه برای روح و بدن زیان نداشته باشد (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۲: ۱۱۱)، مثلاً وقتی گفته می‌شود. «زمان طیب» یعنی زمانی که به خاطر سرما یا گرما موجب آزار نباشد.

۵- هر گاه کلمه «طیب» صفت مال قرار گیرد، به معنای مالی است که از هر نقص، عیب و آفات پاک باشد؛ آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِنَ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ

تُنْفِقُونَ» (البقرة/۲۶۷) می‌تواند مثال برای این معنی باشد، زیرا بر اساس این آیه خداوند به مؤمنان سفارش فرموده که از اموال مرغوب خود به دیگران انفاق کنند.

۶- پاک شده از شرک: از همین جهت صفت شهر مدینه قرار گرفته است (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۲: ۱۱۲) این معنی با موضوع تحقیق ارتباط ندارد.

با توجه به آیه «فَيُظَلِّمُونَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَمًا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَجِئَتْكُمْ بَايَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ» (نساء/۱۵۸) ممکن است که خوردنی طیب باشد، با این حال حلال نباشد، زیرا از آیه مزبور برمی‌آید که برخی از غذاهای بنی اسرائیل به دلیل ظلم ایشان، در عین طیب بودن، حلال نبودند. از همین رو می‌توان گفت که بین کلمات «طیب» و «حلال» عموم و خصوص مطلق است، یعنی هر حلالی طیب است، اما ممکن است که برخی از خوردنی‌های طیب، حلال نباشند.

ممکن است یک خوراکی از لحاظ طعم، لذیذ و به عبارتی طیب و پاکیزه باشد اما به لحاظ زیانی که برای بدن دارد، خبیث باشد.

خبثت از جمله معیارهای خوردنی حرام و حلال

از جمله معیارهای حرام بودن خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها آن است که دارای خبثت و پلیدی باشند، چنانکه گذشت، خبیث ضد «طیب» به معنی پاکیزه است (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۲: ۲۵۱). طیب هر چیز پاک و دلچسب است و خبیث هر چیزی است که پلید و تنفرآور باشد، خبیث به فعل حرام نیز اطلاق شده است (فیومی، بی‌تا، ج ۲: ۱۶۲). از این رو می‌توان گفت که عنوان «خبیث» به خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های پلید و تنفرآور محدود نشده، بلکه موارد معنوی، همچون کارها و درآمدها و کسب‌های حرام را نیز تحت پوشش قرار می‌دهد؛ این مدعا را دلایل چندی اثبات می‌کنند، که به شکل ذیل مورد اشاره و بررسی قرار می‌گیرند:

۱- اطلاق کلمه خبیث بر کارهای حرام، همچون لواط، راهزنی و... در آیه «تَجْنِيهِ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ» (انبیاء/۷۴) بر اساس این آیه، خداوند حضرت لوط (ع) را از قریه سدوم که اهالی آن کارهای زشتی، همچون لواط و... را انجام می‌دادند، نجات داده است.

۲- کاربرد واژه «خبیث» در روایات، چنانکه علی(ع) درباره مردم عصر جاهلیت فرموده‌اند: «تَشْرَبُونَ الْمَاءَ الْخَبِيثَ وَتَأْكُلُونَ الطَّعَامَ الْجَشِيبَ» (ثقفی، ۱۳۹۵ق، ج ۱: ۳۰۳): «آب ناگوار می‌نوشیدید و غذای خشن می‌خوردید». همچنین امام رضا(ع) فرموده‌اند: «وَاللَّهِ لَئِنْ صَرْتُ إِلَى هَذِهِ الْأَمْرِ لَأَكْلَنَّ الْخَبِيثَ بَعْدَ الطَّيِّبِ وَلَأَلْبَسَنَّ الْخَشْنَ بَعْدَ اللَّيْنِ» (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۱۱۵): «به خدا سوگند اگر زمام حکومت را به دست گیرم غذای پست و بد خواهم خورد، پس از غذای خوب (که قبل از دوره زمامداری روا بود) و لباس درشت و زبر خواهم پوشید، پس از لباس‌های نرم (دوران پیش از زمامداری)». در دو روایت مورد اشاره، واژه «خبیث» درباره خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها به کار رفته است، اما در پاره‌ای از روایات واژه مزبور درباره شیطان (راوندی، بی‌تا: ۵۳)، سخن (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱: ۲۸۳)، کسب حرام (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۵۹۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹: ۴۶۵).

۳- اطلاق کلمه «خبیث» در لغت بر هر چیز پست، چنانکه راغب گفته است: «خبیث هر چیزی است که به خاطر زشتی و ناپسندی و مکروه بودنش چنین نامیده شده، خواه کراهت حسی و ظاهری داشته باشد یا کراهت معنوی و عقلی» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ش: ۲۷۲) همچنین اطلاق آن بر فعل و کار حرام (فیومی، بی‌تا، ج ۲: ۱۶۲).

۴- شأن نزول‌های بیان شده برای آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ» (البقرة/۲۶۷) زیرا بر اساس یک شأن نزول، برخی از مردم در زمان رسول خدا(ص)، خرماي نامرغوب که هسته بزرگی داشته را انفاق می‌کردند، آیه یاد شده آن‌ها را از این کار بر حذر داشته و از ایشان می‌خواهد که از مال مرغوب خود انفاق کنند (عیاشی، بی‌تا، ج ۱: ۱۴۸). بر اساس این شأن نزول، ممکن است که خوردنی، حرام نبوده اما نامرغوب باشد. بر اساس شأن نزول دیگری که از امام باقر(ع) نقل شده، در زمان رسول خدا(ص) برخی از مسلمانان اموالی داشتند که از راه‌هایی، مانند ربا و کسب‌های خبیث به دست آورده بودند، این نوع اموال را صدقه می‌دادند، خداوند با نزول این آیه آن‌ها را از این نوع انفاق منع فرمود (همان، ج ۱: ۱۴۹) با در نظر گرفتن دو شأن نزول می‌توان نتیجه گرفت که واژه «خبیث» به هر چیز پست، از جمله آنچه که شرع آن را پست می‌داند، اطلاق می‌شود.

۵- تصریح بسیاری از مفسران به گستردگی مفهوم «خبیث»، چنانکه طبرسی در تفسیر آیه ﴿وَجِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ﴾ (اعراف/۱۵۷) گفته است: «آنچه خبیث و ناپاک است، همچون گوشت حیوان مرده و خون و گوشت خوک یا آنچه در حکم الهی [ناپاک شمرده شده، مانند کسب‌های حرام، را بر آنان حرام می‌کند» (طبرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۱: ۴۷۵) آل سعدی از مفسران اهل سنت نیز گفته است: «(خبائث) شامل خوردنی‌ها، آشامیدنی‌ها، ازدواج‌ها، اقوال و کارها می‌شود» (آل سعدی، ۱۴۰۸ق: ۳۴۴).

بر فرض کاربرد، کلمه «خبیث» در مورد خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، از آنجا که طبع افراد و محیط‌های گوناگون در استفاده از برخی خوردنی‌ها، از جمله ملخ متفاوت می‌باشند، در معیار خبیث بودن تردید شده است، زیرا معلوم نیست که آیا مراد از خبیث چیزی است که همه مردم آن را خبیث و پلید می‌دانند یا خود مکلف یا اهالی یک منطقه و کشور خاص؟ (روحانی قمی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۴: ۹۷). مقدس / اردبیلی به تردید یاد شده اشاره نموده و گفته است: «مفهوم خبیث روشن نیست، زیرا شرع آن را بیان نکرده و عرف نیز در این باره دقیق و مضبوط نیست، از این رو ممکن است که گفته شود عرف متوسط مردم شهرها و خانه‌ها و بیش‌تر آن‌ها در حال اختیار مورد نظر است و عرف مردمی که در بیابان زندگی می‌کنند، مراد نیست، زیرا آن‌ها خیلی از چیزها را خبیث و پلید ندانسته و در حد امکان هر چیزی را طیب و پاکیزه می‌دانند، از این رو به عرف آن‌ها توجه نمی‌شود» (اردبیلی مقدس، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱: ۱۵۶).

در تأیید گفته محقق / اردبیلی درباره مفهوم «خبیث» می‌توان گفت که بسیاری از داروهای ترکیبی از نظر بیش‌تر مردم خبیث و تنفرآمیز بوده و برای نفوس بیش‌تر مردم شمشز کننده و چندان آزار آور است، و حال آنکه عرفاً خبیث نبوده و شرع نیز آن‌ها را حرام نمی‌داند. از سویی در پاره‌ای موارد عادت مردم سبب خبیث دانستن چیزی می‌باشد، مثلاً مردم غیر عرب به دلیل عادت، ملخ را خبیث و پلید می‌دانند، اما مردم عرب چنین تصویری درباره آن ندارند. همچنین مردم شهرها، مواردی چون سوسمار و مشابه آن را خبیث می‌دانند، اما مردمی که در بیابان ساکن هستند، درباره آن چنین نمی‌اندیشند. گاهی حرمت و نهی شرعی موجب خبیث و پلید دانستن چیزی می‌شود، مثلاً مسیحی‌ها، خوک را طیب و پاکیزه به شمار می‌آورند، اما مسلمانان آن را خبیث و پلید

می‌دانند (نجفی، ۱۳۶۷ش، ج ۳۶: ۲۳۹). با وجود آنچه درباره تردید در مفهوم «خبیث» گذشت، می‌توان گفت که منظور از «خبیث» هر چیزی است که طبع سالم انسان آن را خبیث دانسته و از آن متنفر و مشمئز می‌شود، در این باره بین مردم عرب و غیر عرب و ساکنان شهرها و آن‌ها که در بیابان زندگی می‌کنند و نیز بین زمان توان‌گری و فقر تفاوتی نیست و معنای خبیث با اختلاف زمان، مکان و مردم دگرگون نمی‌شود.

با توجه به کاربرد کلمه «خبیث» به معنای «قبیح»، چنانکه برخی از مفسران به آن تصریح نموده‌اند (طوسی، بی‌تا، ج ۴: ۵۶۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴: ۷۵۰)، می‌توان گفت که قبیح به سه نوع شرعی، عقلی و عرفی تقسیم‌پذیر است، همه کارهای حرام و معاصی و نیز ترک کارهای واجب از نوع قبیح شرعی به شمار می‌روند. از همین رو می‌توان از آن‌ها به قبیح شرعی یا خبیث از نظر حکم شرع تعبیر نمود. با توجه به قاعده ملازمه عقلی، یعنی «کلما حکم به العقل حکم به الشرع و کلما حکم به الشرع حکم به العقل» اخلاق رذیله و عقاید فاسد از جمله قبیح یا خبیث عقلی می‌باشند. اموری که منافی مروت و خلاف عرف باشند، مانند تخمه شکستن و مانند آن‌ها به شرط آنکه موجب سبک شدن و خوار گردیدن فرد گردد، از جمله قبیح یا خبیث عرفی تلقی می‌شود (طیب، ۱۳۷۸ش، ج ۹: ۲۱۴).

با توجه به حدیث «کسب الحجام خبیث» (احمد بن حنبل، بی‌تا، ج ۳: ۴۶۴) کلمه «خبیث» الزاماً مترادف با حرام نیست، زیرا چنانکه می‌دانیم شغل حجامت، آن‌هم در صورتی که دستمزد را شرط کنند، مکروه است (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۷ق: ۳۵).

از سویی در پاره‌ای از روایات به جواز و حلال بودن آن تصریح شده است، چنانکه در روایتی آمده که درباره کسب حجامت کننده پرسش شده، امام (ع) فرموده‌اند: «لا بأس» یعنی ایرادی ندارد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷: ۹۵). با این حال چنانکه در معنای «خبیث» گذشت، کلمه «خبیث» در بسیاری از موارد به معنای حرام به کار رفته است، که از جمله آن‌ها آیه ﴿يَحْرَمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثُ﴾ (اعراف/۱۵۷) می‌باشد. از این رو با در نظر گرفتن واژه «خبیث» از آیه مزبور حرمت موارد چندین نتیجه گرفته شده است، برخی از آن موارد مواد غذایی با منشأ اصل حیوانی می‌باشند؛ از آن میان می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱- خوردن مدفوع انسان و دیگر جانداران، خواه حلال گوشت باشند یا حرام گوشت (عاملی ترحینی، ۱۴۲۴ق، ج ۸: ۲۸۸).
 - ۲- استفاده از متنجس، زیرا اطلاق آیه‌ای که به آن اشاره رفت، مواردی که متنجس هستند را نیز در بر می‌گیرد (طباطبایی قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۱۰۵؛ روحانی قمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴: ۱۲۲).
 - ۳- حرام بودن خوردن پشه (طباطبایی قمی، ۱۴۱۷ق: ۱۶۷).
 - ۴- خوردن بول (روحانی قمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴: ۳۶).
 - ۵- استفاده از آب قلیل که به نجاست برخورد کرده است (شریف مرتضی، ۱۴۱۷ق: ۶۸).
 - ۶- خوردن مار و موش (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۸۳).
 - ۷- حرمت نوشیدن خمر (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۵: ۷۷). در روایات نیز درباره آن گفته شده: «الخمر أم الخبائث» (شریف مرتضی، ۱۳۸۰ش: ۲۲۹) و «الخمر جماع الاثم وأم الخبائث ومفتاح الشر» (شعیری، بی تا: ۱۵۱).
 - ۸- خوردن حشرات (فیض کاشانی، بی تا، ج ۲: ۱۸۳).
 - ۹- حرام بودن خوردن گوشت خفاش (ایروانی، ۱۴۲۷ق، ج ۳: ۱۲۷).
 - ۱۰- حرام بودن خوردن گوشت سوسمار (جزیری و دیگران، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ۱۵).
 - ۱۱- خوردن خون (شیرازی، ۱۴۲۵ق، ج ۲: ۱۹۶).
 - ۱۲- خوردن میته، گوشت خوک و سوسک سیاه (اندلسی ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۵: ۱۹۵).
 - ۱۳- حرمت استعمال دخانیات (قحطانی، بی تا: ۳۵/۸).
- هرچند که برخی از مواردی که به دلیل «خبیث بودن» خوردن آن‌ها حرام دانسته شده، در زمره نجاسات به شمار می‌آیند، با این حال «خبیث» و «نجس» مترادف نیستند، شاهد مدعا آنکه برخی از فقهاء با وجود آنکه بول حیوانات حلال گوشت را طاهر می‌دانند، اما خوردن آن را به دلیل خبیث و پلید بودن و قذارت داشتن حرام دانسته‌اند (محسنی قندهاری، ۱۴۲۴ق: ۳۴۹؛ انصاری، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۵۸).

اسباب حرام بودن خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها با نگاه به واژه خبیث

با توجه به کاربرد کلمه «خبیث» در معنای حرام (راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱: ۲۳۲؛ جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۳: ۳۰۷؛ ابن منظور مصری، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۵۶۳؛ فیومی، بی‌تا، ج ۲: ۱۶۲) اسباب چندی موجب حرام بودن خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها می‌شوند (محسنی قندهاری، ۱۴۲۴ق، ج ۱: ۳۵۰)، از جمله:

۱- داشتن نجاست ذاتی، مانند سگ و خوک و میتة: در تأیید این سبب، نجاسات از جمله مصادیق «خبیث» به شمار آمده‌اند، چنانکه جصاص گفته است: «بی تردید، نجاسات از خبائث هستند» (جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۵: ۲۰۵). از سویی در پاره‌ای از روایات به خبیث بودن سگ تصریح شده، چنانکه پیامبر (ص) فرموده‌اند: «الکلب خبیث و خبیث ثمنه» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۴: ۴۷۲؛ بیهقی، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۱۹). کلمه «خبیث» در لغت نیز به معنای «نجس» به کار رفته است (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۲: ۲۵۱).

در مورد نجاست ذاتی خمر اختلاف است، زیرا برخی از فقها، همچون سید مرتضی بر این باورند که درباره نجاست خمر مسلمانان اجماع دارند (شریف مرتضی، ۱۴۱۷ق: ۹۵). با این حال برخی از فقها در دلایل نجاست خمر و دیگر مسکرات تردید نموده و به عدم نجاست خمر باور دارند (میرزای قمی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۴۲۱). در این صورت خوردن خمر و هر نوع مست‌کننده‌ای به دلایل دیگری، همچون اسکار و... حرام است.

۲- برخورد چیزی با نجس ذاتی همراه با رطوبت مسری (طباطبایی قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۱۰۵).

۳- زیان شدید داشتن: چنانکه فخر رازی گفته است: «خبیث هر چیزی است که طبع و نفس آن را پلید بداند، مثل آنکه تناول آن موجب درد گردد، اصل در زیان حرام بودن آن می‌باشد» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵: ۳۸۱).

۴- مسکر بودن: در تأیید این سبب آن که در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ» (مائده/۹۰) بر خمر که از مسکرات می‌باشد، «رجس» اطلاق شده، از سویی کلمه «رجس» به معنای خبیث تفسیر گردیده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵: ۳۸۲).

۵- بدست آوردن مال، از جمله خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها از راه‌های نامشروع: در تأیید این سبب آنکه در پاره‌ای از روایات مهریه زن زناکار از جمله مصادیق خبیث برشمرده

شده (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۳: ۴۶۴)، از سویی مواردی، مانند «ربا»، «رشوه» و دیگر راه‌های حرام کسب درآمد، از مصادیق خبیث به شمار آمده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۶۵) زیرا موارد یادشده، از نظر حکم خبیث هستند.

۶- ورود نهی خاص درباره چیزی، مانند «نهی از خوردن خاک» و «نهی از خوردن و آشامیدن از سفره‌ای که روی آن شراب سرو شده است» (شیرازی، ۱۴۲۸ق: ۳۵۸)، «خوردن و آشامیدن از ظروف طلا».

۷- نذر بر اساس تفصیل و شرایطی که در «کتاب النذر» بیان شده است: بر اساس این سبب ممکن است کسی با شرایط مذکور در «کتاب النذر» نذر کند که خوردنی خاصی، مانند شیر را ترک کند (آشتیانی، ۱۴۱۸ق: ۲۱۴) در این صورت وی از خوردن آن منع می‌شود.

۸- عهد بر اساس تفصیل و شروطی که در فقه بیان شده است: با توجه به شباهت عهد با نذر ممکن است فردی با خدا عهد کند که خوردنی معینی را ترک کند، در این صورت آن خوردنی را باید ترک کند.

۹- قسم بر اساس تفصیل و شروط بیان شده در فقه: بر اساس این سبب اگر کسی قسم بخورد که کاری را انجام دهد یا کاری را ترک کند، مثلاً سوگند بخورد که در هنگام عطش به خاطر کسی آب ننوشد، مفهوم حقیقی آن می‌رساند که آب را بر خودش حرام کرده است (شیرازی، ۱۴۲۵ق، ج ۲: ۱۵۵).

۱۰- روزه واجب که روزه دار از خوردن و آشامیدن در آن منع شده است.

۱۱- نماز که قطع آن حرام است، از این رو خوردن و آشامیدن که با نماز تنافی داشته و موجب قطع و بطلان نماز می‌شود، جایز نیست (نجفی، ۱۴۱۵ق: ۳۳۰).

۱۲- وطی حیوانات حلال گوشت، که موجب حرام بودن گوشت آن‌ها می‌شود (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۵۳۳).

۱۳- محرم بودن در حج و عمره: چنانکه می‌دانیم در شرایط عادی و در هنگامی که فردی محرم نیست، صید حیوانات حلال گوشت با شرایطی که در کتاب «الصید والذباحة» از کتب فقهی بیان شده حلال است، با این حال در هنگام احرام از صید و خوردن گوشت آن نهی شده است، چنانکه خداوند فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا

الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ» (مائده/۹۹): «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال احرام شکار نکنید». در آیه دیگری خود صید به نحو خاص مورد اشاره قرار گرفته و از آن نهی شده است، چنانکه خداوند فرموده است: «وَحُرْمٌ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا» (المائدة/۹۵) «مادام که در حال احرام (یا در حرم) هستید صیدهای صحرائی بر شما حرام است». اسبابی که به آن‌ها اشاره رفت، از جمله مصادیق خبیث به حکم شرع می‌باشند، هرچند که برخی از آن‌ها همچون سگ، خوک و... از نظر ذاتی نیز خبیث می‌باشند.

معیارهای لازم در خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های حلال

از آنچه در مورد ضوابط و اسباب خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های حرام با نگاه به کلمه «خبیث» گذشت، می‌توان ضوابط و معیارهای ضروری خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های حلال را به شکل زیر نتیجه گرفت:

۱- طاهر و پاک بودن خوردنی و آشامیدنی، از همین رو خوردن آنچه که نجاست ذاتی دارد و نیز آنچه که نجس ذاتی مرطوب و مسری بر خورد نموده (متنجس) حرام شده است.

۲- مفید بودن خوردنی و آشامیدنی برای سلامت بدن و روح: از همین رو خوردنی‌ها و آشامیدنی‌هایی که برای سلامتی بدن و روح زیان شدید دارند، حرام هستند.

۳- مسکر نبودن: از همین رو آشامیدنی‌های مست کننده و مسکر، همچون خمر و مشابه آن به دلیل ایجاد دشمنی و دیگر اثرات زیان‌بار آن حرام هستند.

۴- خوردنی و آشامیدنی مملوک فرد باشد: با توجه به این ضابطه، خوردنی‌ها و آشامیدنی‌هایی که غصبی هستند و یا رضایت مالک آن‌ها را به همراه ندارند، حلال نیستند. همچنین خوردنی‌هایی که از طریق درآمد و مال نامشروع تهیه شده‌اند، ویژگی لازم حلال بودن را ندارند.

۵- مورد پسند و رضایت طبع بودن: از همین رو خوردنی‌هایی که از آن‌ها به عنوان «خبیث» یا «پلید» تعبیر می‌شود، به دلیل آنکه چندش‌آور بوده و مورد پسند طبع نیستند، ویژگی لازم حلال بودن را دارا نمی‌باشند.

۶- از ناحیه شارع مقدس به صورت خاص از آن‌ها نهی شده نباشد: از همین رو خوردن در ظروف طلا و نقره، از سر سفره‌ای که در آن مشروب سرو شده و مشابه آن‌ها حلال نیست.

۷- به وسیله پیمان‌هایی، همچون «نذر»، «عهد» و «قسم» خوردنی و آشامیدنی بر فرد حرام نشده باشد.

۸- خوردن و آشامیدن در مواقع ممنوعه صورت نگیرد: از همین رو خوردن و آشامیدن در هنگام روزه، نماز و نیز خوردن صید در هنگام احرام، حلال نیست.

۹- خوردنی از گوشت حیوانی که موطوئه انسان است و نیز از گوشت حیوان نجاست‌خوار تهیه نشده باشد.

با توجه به آنچه گذشت از نگاه اسلام استانداردهای کیفی مواد غذایی بر اساس مفهوم حلال و طیب بیان شده‌اند؛ حلال به عنوان یک استاندارد در تعیین کیفیت غذاهایی که مسلمانان مصرف می‌کنند نقش بسزا دارد، بیش‌تر مواد و رژیم‌های غذایی حلال هستند، مگر آن‌هایی که به طور مشخص در قرآن و حدیث حرام شمرده شده‌اند، از سویی یک ماده غذایی زمانی حلال و طیب است که از جمیع جهات مادی و معنوی پاک و خالص و عاری از آلودگی باشد (نشریه اسلام و سلامت، شماره ۲: ۵۰-۴۱) تعبیر «عاری از آلودگی» رابطه واژه خبیث با واژه‌های حلال و حرام را به خوبی نشان می‌دهد.

نتیجه بحث

از آنچه گذشت نتایج زیر به دست می‌آیند:

۱- معیارهای بیان شده درباره غذای حلال، که از کلمه «خبیث» نتیجه گرفته می‌شوند نشان‌گر آن هستند که از نگاه اسلام، سلامت جسم و روان و ایمان انسان‌ها اهمیت بسزا دارند، زیرا برخی از معیارها، همچون زیان شدید نداشتن خوردنی و آشامیدنی و مشابه آن‌ها در راستای تأمین سلامت جسم هستند، در مقابل معیارهایی، مانند از راه نامشروع حاصل نشدن و مانند آن‌ها در راستای سلامتی ایمان افراد هستند. در عین حال سلامت جسم در سلامت روان و ایمان مؤثر است.

۲- آیه ﴿يَحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتُ وَيُحْرَمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثُ﴾ (اعراف/۱۵۷) به دلیل دارا بودن کلمات کلیدی «حلال»، «طبیبات»، «حرام» و «خبائث» در دستیابی به معیارهای غذای حلال و حرام کمک شایان می‌کند، زیرا با توجه به تصریح اهل لغت و برخی از مفسران بر اینکه یکی از معانی خبیث، حرام و نیز قبیح است، کلمه «خبیث» مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد و می‌تواند اقسام مختلفی، مانند «خبیث و قبیح شرعی»، «خبیث و قبیح عقلی» و «خبیث و قبیح عرفی» را شامل گردد، از همین رو می‌توان از آن مواردی مانند مضر نبودن، از را نامشروع بدست نیامدن و... را به عنوان معیارها و ضوابط خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های حلال نتیجه گرفت؛ با این حال برخی از ویژگی‌های خوردنی‌های حلال و حرام مانند «مرغوب بودن»، «بهترین کیفیت را داشتن» از کلمه «خبیث» در این آیه قابل استفاده نیست، اما می‌توان آن‌ها را از کلمه «خبیث» در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَنِّي حَمِيدٌ﴾ (البقرة/۲۶۷) استفاده نمود، زیرا بر اساس یکی از شأن نزول‌ها، منظور از آیه یادشده آن است که از انفاق خوردنی و آشامیدنی نامرغوب به دیگران خودداری شود، بدیهی است که لازمه نهی از انفاق خوردنی و آشامیدنی نامرغوب آن است که مصرف خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های نامرغوب، ایده آل نبوده و توصیه نمی‌شوند؛ از همین رو با توجه به اهمیت سلامتی، صرف حلال بودن خوردنی و آشامیدنی کافی نیست، بلکه از نگاه قرآن، به دلیل توصیه اصحاب کهف به مأمور خرید غذا در باره تهیه بهترین و باکیفیت‌ترین غذا، خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، باید در تأمین نیازهای بدن بهترین کیفیت را دارا باشند، لذا رعایت نکات بهداشتی و استانداردهای لازم در همه مراحل تهیه غذا و نوشیدنی‌ها ضروری است.

۳- از کاربردهای گوناگون کلمه «خبیث» در آیات و روایات برمی‌آید که علاوه بر خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، سخن، اشخاص، افعال، عقاید و... نیز می‌توانند متصف به خبیث شوند. از سویی از کاربرد کلمه خبیث در پاره‌ای از روایات درباره کسب از طریق حجامت می‌توان نتیجه گرفت که گرچه حرام بودن، یکی از معانی کلمه «خبیث» می‌باشد، اما ترادف آن دو منطقی نیست.

۴- با توجه به شرایط گوناگون افراد و سنین مختلف، ممکن است غذا و آشامیدنی برای برخی افراد مفید باشد، اما برای دیگر افراد مفید نباشد، از همین رو خوردنی‌هایی که موجب افزایش کلسترول یا قند خون می‌شوند، برای برخی افراد، از جمله افراد کم‌تحرک و مسن مفید و ایده آل نیست.

۵- غذا و نوشیدنی ایده آل باید همه معیارهای بیان‌شده برای خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های حلال را دارا باشد، از همین رو مثلاً پاکیزه و طیب بودن خوردنی و آشامیدنی به تنهایی کفایت نمی‌کند، بلکه علاوه بر آن باید دیگر معیارها نیز تحقق یابند.



کتابنامه

قرآن کریم

کتب عربی

- امام رضا، علی بن موسی. ١٤٠٦ق، **فقه الرضا، منسوب به امام رضا(ع)**، مشهد: مؤسسه آل البيت(ع).
- امام رضا، علی بن موسی. ١٤٠٢ق، **طب الرضا**، قم: دار الخيام.
- آشتیانی، محمد حسن. ١٤١٨ق، **رسالة فی القواعد الفقهية مع تعليقات المدرس الطهرانی**، تهران: مؤسسه اطلاعات.
- آل سعدی، عبد الرحمن. ١٤٠٨ق، **تیسیر الکریم الرحمن**، بیروت: مکتبه الفقهية العربية.
- ابن ادريس، محمد بن احمد. ١٤١٠ق، **السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. ١٤١٤ق، **لسان العرب**، بیروت: دار الفكر والطباعة والنشر والتوزيع.
- ابن هائم، شهاب الدين احمد. ١٤٢٢ق، **التبیان فی تفسیر غریب القرآن**، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
- احمد بن حنبل شیبانی، ابو عبدالله. بی تا، **مسند احمد بن حنبل**، قاهرة: مؤسسة قرطبة.
- اردبیلی، احمد. ١٤٠٣ق، **مجمع الفایدة والبرهان**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- اردبیلی، احمد. بی تا، **زبدة البیان فی احکام القرآن**، تهران: المکتبه الجعفرية لإحياء الآثار الجعفرية.
- اسماعیل صینی، محمود. بی تا، **المکنز العربی المعاصر**، بیروت: مکتبه ناشرون.
- اندلسی، ابوحيان محمد. ١٤٢٠ق، **البحر المحيط فی التفسیر**، بیروت: دار الفكر.
- انصاری، مرتضی. ١٤١٠ق، **المکاسب المحرمة**، شرح محمد کلانتر، قم: مؤسسه مطبوعاتی دار الکتب.
- ایروانی، باقر. ١٤٢٧ق، **دروس تمهیدية فی الفقه الاستدلالي**، قم: بی نا.
- برقی، ابو جعفر احمد. ١٣٧١ق، **المحاسن**، قم: دار الکتب الاسلامية.
- بیهقی، احمد بن حسن. ١٤١٤ق، **السنن الکبری**، مکه: مکتبه دار الباز.
- تقیفی، ابراهیم بن محمد. ١٣٩٥ق، **الغارات**، تهران: انجمن آثار ملی.
- جزیری، عبد الرحمن و غروی، محمد و یاسر، مازح. ١٤١٩ق، **الفقه علی المذاهب الأربعة ومذهب أهل البيت**، بیروت: دار الثقليين.
- حر عاملی، محمد بن الحسن. ١٤٠٩ق، **وسائل الشیعة**، بیروت: مؤسسه آل البيت(ع).
- حمیری، نشوان بن سعید. بی تا، **نشوان العلوم و دواء کلام العرب**، دمشق: دار الفكر.
- خویی، ابوالقاسم. ١٤١٨ق، **فقه الشیعة؛ کتاب الطهارة**، قم: مؤسسه آفاق.
- خویی، ابوالقاسم. ١٤١٨ق، **التنقیح فی شرح العروة الوثقی**، قم: بی نا.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ق، **المفردات فی غریب القرآن**، بیروت: بی نا.
راوندی، قطب الدین سعید. ۱۴۰۵ق، **فقه القرآن**، چاپ دوم، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی.
روحانی قمی، محمد صادق حسینی. ۱۴۱۲ق، **فقه الصادق علیه السلام**، قم: مدرسة الامام
الصادق(ع).

زمخشري، محمود. ۱۴۰۷ق، **الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل**، بیروت: دار الكتاب العربي.
سبزواری، سید عبد الأعلى. ۱۴۱۳ق، **مهذب الأحكام**، قم: مؤسسة المنار- دفتر حضرت آیت الله
سبزواری.

شرتونی، سعید. ۱۴۰۳ق، **اقرب الموارد فی فصح العربية والشوارد**، قم: مكتبة آية الله العظمى
المرعشى.

شريف مرتضى، على بن حسين. ۱۴۱۷ق، **المسائل الناصريات**، تهران: رابطة الثقافة والعلاقات
الاسلامية.

شريف مرتضى، على بن حسين. ۱۳۸۰ش، **المجازات النبوية**، چاپ اول، قم: نشر شريف مرتضى.
شعیری، محمد بن محمد. بی تا، **جامع الأخبار للشعیری**، چاپ اول، نجف اشرف: مكتبة الحيدرية.
شیرازی، صادق. ۱۴۲۵ق، **التعليقات على شرايع الاسلام**، قم: انتشارات استقلال.
شیرازی، صادق. ۱۴۲۸ق، **ألف مسألة في بلاد الغرب**، بیروت: دار العلوم مؤسسة الثقافة.
طباطبای قمی، محمد تقی. ۱۴۱۳ق، **عمدة المطالب فی التعليق على المكاسب**، قم: کتابفروشی
محلّتی.

طباطبای قمی، محمد تقی. ۱۴۱۷ق، **الغاية القصوى فی التعليق على العروة الوثقى كتاب الصوم**،
قم: انتشارات محلّتی.

طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۷ش، **تفسیر جوامع الجامع**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت
حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن. ۱۴۱۲ق، **مکارم الأخلاق**، قم: نشر شريف رضى.
طریحی، فخر الدین. ۱۳۷۵ش، **مجمع البحرين**، تهران: نشر مرتضوی.
طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن. ۱۴۰۷ق، **الخلاف**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه
مدرسين حوزه علمیه قم.

طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن. بی تا، **التبيان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
عاملی ترحینی، محمد حسن. ۱۴۲۴ق، **الزبدة الفقهية**، قم: دار الفقه للطباعة والنشر.

عبد الرحمن، محمود. بی تا، **معجم المصطلحات والألفاظ الفقهية**، بی جا: بی نا.
عیاشی، محمد بن مسعود. بی تا، **تفسیر العیاشی**، بی جا: منشورات موقع الکوثر الاسلامیة.

فخر رازی، ابو عبد الله محمد بن جعفر. ۱۴۲۰ق، **مفاتیح الغیب**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
فیض کاشانی، محمد محسن. بی تا، **مفاتیح الشرایع**، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی.
فیومی، احمد بن محمد. بی تا، **المصباح المنیر**، قم: منشورات دار الرضی.
قحطانی، سعید بن مسفر. بی تا، **دروس للشیخ سعید بن مسفر**، بی جا: بی نا.
کاظمی فاضل، جواد بن سعد اسدی. بی تا، **مسالك الأفهام الى آیات الأحكام**، بی جا: بی نا.
کرکی عاملی، حسین بن شهاب الدین. ۱۳۹۶ق، **الاجتهاد والتقلید (هدایة الابرار إلى طریق أئمة الأطهار)**، نجف اشرف: بی نا.

کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۲۹ق، **الکافی**، قم: دار الحدیث للطباعة والنشر.
مجلسی، محمد باقر. ۱۴۰۳ق، **بحار الأنوار**، بیروت: مؤسسة الوفا.
محسنی قندهاری، محمد آصف. ۱۴۲۴ق، **الفقه ومسائل طیبیة**، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
مصطفوی، حسن. ۱۴۰۲ق، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: مرکز کتاب لترجمة والنشر.
میرزای قمی، ابو القاسم. ۱۴۱۷ق، **غنائم الايام فی مسائل الحلال والحرام**، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
نجفی، محمد حسن. ۱۳۶۷ش، **جواهر الکلام**، بی جا: دار الکتب الاسلامیة.

کتاب فارسی

طیب، عبد الحسین. ۱۳۷۸ش، **أطیب البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: انتشارات اسلام.
عاملی، ابراهیم. ۱۳۶۰ش، **تفسیر عاملی**، بی جا: انتشارات صدوق.
قرشی، علی اکبر. ۱۳۷۷ش، **تفسیر أحسن الحدیث**، تهران: بنیاد بعثت.
مکارم شیرازی، ناصر. ۱۴۲۴ق، **رسالة توضیح المسائل**، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب.
نجفی، محمد حسن. ۱۴۱۵ق، **مجمع الرسائل المحشی**، مشهد: مؤسسه صاحب الزمان (ع).

مقالات

اکران، طیب و گلی، مهرناز. ۱۳۹۶ش، «سبک تغذیه در سلامت انسان از دیدگاه آیات و روایات»، فصلنامه مطالعات قرآنی، دانشگاه آزاد اسلامی جیرفت، شماره ۳۲، صص ۱۵۹-۱۷۶.
عالی پور، فتح الله و مهدوی، فرنگیس. بی تا، «حلال و طیب عالی ترین معیارهای بهداشتی مواد غذایی از دیدگاه قرآن»، نشریه اسلام و سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بابل، شماره ۲، صص ۲۵-۱۱.

Bibliography

Holy Quran

Arabic references

- Imam Reza (AS), Ali Ibn Musa, 1985, Jurisprudence of Reza, attributed to Imam Reza, Mashhad, Al-Bayt Foundation.
- Imam Reza (AS), Ali Ibn Musa, 1981, Medicine of Reza, Qom, Dar Al-Khayam.
- Ashtiani, Mohammad Hasan, 1997, A message in the jurisprudential rules with comments of Modarres Tehrani, Tehran, Information Institute.
- Al-Sa'adi, Abdul Rahman, 1987, Al-Karim Al-Rahman Facilities, Beirut, Library of Arabic Jurisprudence.
- Ibn Edris, Mohammad bin Ahmad, 1989, Articles on the Edition of Fatwas, Qom, Islamic publishing office of the Society of Seminary Teachers of Qom.
- Ibn Manzour, Mohammad bin Mokarram, 1993, Arabic Language, Beirut, The house of thoughts and printing and publication and distribution.
- Ibn Haem, Shahab Al Din Ahmad, 2001, Commentary on interpretation of Quran, Beirut, West Islamic House.
- Ahmad bin Hanbal Sheibani, Abu Abdullah, (without Date of publication), Musnad Ahmed bin Hanbal, Cairo, The Foundation of Carthage, without publisher.
- Ardabili, 1983, Assembly of interest and proof, Qom, Islamic Publication Office, 1st Edition.
- Ardabili, (without Date of publication), Abstract on the provisions of Quran, Tehran, Al - Jafaria Library for the Restoration of Imam Ja'afar (AS) Archeology.
- Esmaeil Seini, Mahmoud, (without Date of publication), Contemporary Arabic Treasure, Beirut, Publisher's Library, 1st Edition.
- Andolosi, Abu Hayyan Mohammad, 1999, The sea surrounding the interpretation, Beirut, The house of Thoughts, without publisher.
- Ansari, Morteza, 1989, Forbidden Gains, with Mohammad Kalantar explanation, Qom, The press office of the Academy of Sciences.
- Irevani, Baqir, 2006, Introductory lessons in Islamic jurisprudence, Qom, without publisher.
- Borqi, Abu Ja'afar Ahmad, 1952, Al-Mahassin, Qom, Islamic House of Books.
- Beihaqi, Ahmad bin Hasan, 1993, The great Sunna, Mecca, Dar Al Baz Library.
- Saqifi, Ebrahim bin Mohammad, 1975, The Raids, Tehran, National works Association.
- Jaziri, Abdul Rahman and Qaravi, Mohammad and Yasir, Mazih, 1998, Fiqh on the four schools of thought and the doctrine of Ahl al-Bayt, Beirut, Dar al-Thaqlain.
- Hor Aameli, Mohammad bin Hassan, 1988, Shiite Means, Beirut, Al-Albayt (AS) Institute.
- Homeiri, Nishvan bin Saeid, (without publication date), Nashwan Science and Arabic Language, Damascus, The House of Thoughts.
- Khoei, Abul Ghassim, 1997, Fiqh of the Shiites - Book of Purity, Qom, Afaq Institute.
- Khoei, Abul Ghassim, 1997, Further explanation of Orvatul Wosqa, Qom, without publisher.
- Raqib Esfahani, Hossein bin Mohammad, 1991, Vocabulary of Holy Quran, Beirut, without publisher.
- Ravandi, Qutb al-Din Saeid, 1985, Jurisprudence of Quran, Qom, Ayatullah Marashi Library Publications, 2nd Edition.
- Rouhani Qomi, Mohammad Sadiq Hosseini, 1991, Jurisprudence of Sadiq (AS), Qom, School of Imam Sadiq (AS).

- Zamakhshari, Mahmoud, 1987, Find out the facts of the mystery of Tanzil, Beirut, the Arabic Book House.
- Sabzevari, Seyed Abd Al A'ala, 1992, Courteous Judgements, Qom, Al-Manar Institute, Ayatullah Sabzevari Office.
- Shartuni, Saeid, 1982, The closest resources in the Arabian land and resources, Qom, Library of Great Ayatollah Mara'ashi.
- Sharif Morteza, Ali bin Hossein, 1996, Thematic issues, Tehran, Association of Islamic Culture and Relations.
- Sharif Morteza, Ali bin Hossein, 2001, Prophetic Metaphors, Qom, Sharif Morteza Publication, 1st Edition.
- Sha'eri, Mohammad bin Mohammad, (without publication date), Al-Akhbar mosque for poetry, Najaf Ashraf, Al-Heidaria Library, 1st Edition.
- Shirazi, Sadiq, 2004, Comments on Islamic Sharia, Qom, Esteghlal Publications.
- Shirazi, Sadiq, 2007, One thousand questions in the West, Beirut, Dar Al Uloom Cultural Foundation.
- Tabatabaei Qomi, Mohammad Taqi, 1992, Major claimant commenting on gains, Qom, Mahallati Bookstore.
- Tabatabaei Qomi, Mohammad Taqi, 1996, The ultimate goal commenting on the most powerful document of fasting, Qom, Mahallati Publications.
- Tabarsi, Fazi bin Hasan, 1998, Comprehensive interpretation of mosques, Tehran, Tehran University and Management of Qom Seminary Publications.
- Tabarsi, Fazi bin Hasan, 1991, Ethics, Qom, Sharif Razi Publication.
- Tarihi, Fakhr-Al-Din, 1996, Al-Bahrain Complex, Tehran, Mortazavi Publication.
- Tousi, Abu Ja'afar Mohammad bin Hassan, 1987, Controversy, Qom, Islami Publishing House affiliated with the community of the teachers of Qom Seminary.
- Tousi, Abu Ja'afar Mohammad bin Hassan, (without publication date), The interpretation of Quran, Beirut, Arab Heritage Revival House.
- Abdul Rahman, Mahmoud, (without publication date), Glossary of terms and jurisprudence, without place, without publisher.
- Ayashi, Mohammad bin Masoud, (without publication date), Al-Ayashi interpretation, without place, Publications of the Islamic website.
- Fakhr Razi, Abu Abdullah Mohammad bin Ja'afar, 1999, The keys of the disappearance, Beirut, The house for regeneration of Arab heritage.
- Feiz Kashani, Mohammad Mohsen, (without publication date), The keys of Sharia, Qom, Ayatullah Mara'ashi Library publications.
- Fiomi, Ahmad bin Mohammad, (without publication date), Light bulb, Qom, Dar-Al-Reza Publications.
- Qahtani, Saeid bin Mesfer, (without publication date), Lessons for Sheikh Saied bin Mesfer, without place, without publisher.
- Kazemi fazil, Javad bin Sa'ad Asadi, (without publication date), The answer to the verses of the judgments, without place, without publisher.
- Korki A'amei, Hossein bin Shahab Al-Din, 2017, Ijtihad and tradition (the guidance of the righteous to the path of imams of purity), Najaf Ashraf, without publisher.
- Koleini, Mohammad bin Yaghob, 2008, Al-Kafi, Qom, Dar Al-Hadith for Printing and Publishing.
- Majlisi, Mohammad Bagher, 1983, Bihar Al-Anwar, Beirut, Al-Wafa Institute.
- Mohseni Qandahari, Mohammad Asef, 2003, Jurisprudence and medical issues, Qom, Islamic Advertising Office Publications.

Mostafavi, Hasan, 1982, Examine the words of Quran, Tehran, Center for the development of libraries and publishing houses.

Mirza Qomi, Abul Qassim, 1996, Spoils days in matters of halal and haram, Qom, Islamic Advertising Office Publications.

Najafi, Mohammad Hassan, 1988, Jawaher Al – Kalam, without place, Islamic Books House.

Persian references

Teib, Abdul Hossein, 1999, A good explanation in the interpretation of the Quran, Tehran, Islam Publications.

A'amehli Tarhini, Mohammad Hasan, 2003, Al-Zubdah Jurisprudence, Qom, Dar al-Fiqh for Printing and Publishing.

A'amehli, Ibrahim, 1981, A'amehli interpretation, Saduq Publications.

Qorshi, Ali Akbar, 1998, Best Talk Interpretation, Tehran, Be'sat Foundation.

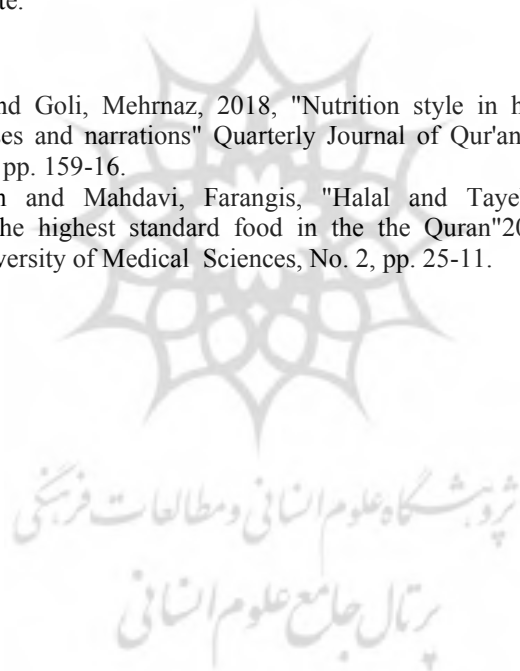
Makarim Shirazi, Naser, 2003, Letter of explanation issues, Qom, Imam Ali bin Abi Talib School.

Najafi, Mohammad Hassan, 1994, Compiled Messages Collection, Mashhad, Sahib Al-Zaman (AS) Institute.

Articles

Akran, Tayebeh and Goli, Mehrnaz, 2018, "Nutrition style in human health from the perspective of verses and narrations" Quarterly Journal of Qur'anic Studies, Jiroft Azad University, No. 32, pp. 159-16.

Ali Pour, Fatollah and Mahdavi, Farangis, "Halal and Tayeb, halal (lawful) and tayyib(clean) are the highest standard food in the the Quran"2014, Islam and Health Journal, Babol University of Medical Sciences, No. 2, pp. 25-11.



Essential Criteria for Halal Food by Considering Malicious Term

Morteza Rahimi: Associate Professor, Islamic Studies, Shiraz University

Abstract

The present paper – which is done with descriptive – analytical method – states that human's body and mind health is very important from Quran and traditions viewpoint. Thus It determines criteria for foods and drinks and emphasizes food safety. The term “malicious” sometimes means low – grade; so Companions of the Cave's advice to purchase man shows that foods and drinks should be the best quality, therefore considering sanitary tips and standards is essential in foods and drinks preparation. According to individuals' conditions and their various ages, some foods may be useful for some but harmful for others; accordingly ideal foods and drinks should contain all necessary criteria for all; for instance cleanness is not an enough criteria for foods and other ones must be considered as well.

Keywords: foods, drinks, religiously prohibited (Haram), useful, harmful.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی